

ایلماز بینگول^۱

هدف این مقاله تجزیه و تحلیل علل واقعی انقلاب قرقیزستان است. می‌توان از طریق توضیح نظری «دموکراسی و آزادی» این امر را تبیین نمود و نیز فضای جغرافیایی - فرهنگی این کشور، در حالی که دموکراتیک‌ترین کشور آسیای مرکزی محسوب می‌شد. همچنین، این مقاله رقابت جهانی بین آمریکا، چین و روسیه که به‌طور جدی موضوعی مطرح در رابطه با انقلاب قرقیزستان محسوب می‌گردد را بررسی می‌نماید.

انقلاب «رز» در گرجستان و انقلاب «نارنجی» در اوکراین و انقلاب رنگی دیگری در قرقیزستان در مارس ۲۰۰۵ به‌وقوع پیوست. گروه اپوزیسیون که ناراضی از نتایج انتخابات پارلمانی ۲۷ فوریه و ۱۳ مارس ۲۰۰۵ بود علیه رژیم عسگر آقایف شورش نمودند. اپوزیسیون شاکی از رژیم موجود، رژیم عسگر آقایف را به خیانت متهم نمود و همراه با تقاضای دموکراسی و آزادی بیشتر، رئیس‌جمهوری قزاقستان را از قدرت خلع نموده انقلاب رنگی دیگری را در ۲۴ مارس ۲۰۰۵ به سرانجام رساند. ویژگی‌های عمومی تمامی این انقلابیون یکی طرح موضوع «دموکراسی و آزادی» و دیگری گرایش به غرب به‌ویژه به آمریکا بود.

به‌نظر می‌رسد که نامیدن چنین انقلاب‌هایی تحت عنوان «رنگی» به یک سنت در غرب مبدل شده است. این سنت به دیدگاه ساموئل هانتینگتون به عنوان «سومین موج دموکراسی» باز می‌گردد که با «انقلاب گل میخک» پرتقال در ۱۹۷۴ آغاز شد. همانطور که سیاستمداران و آکادمیسین‌های غربی اغلب از عنوان «رنگی» برای موارد

۱. Yilmaz Bingol، استادیار علوم سیاسی اجتماعی دانشگاه کوالی ترکیه می‌باشد. این مقاله توسط آقای قاسم ملکی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

کشورهای سابقاً کمونیست به کار برده‌اند آنها باید این انقلاب‌ها را به عنوان گسترش واقعه به قول هانتینگتون «سومین موج» محسوب کنند.

اگر چه انقلاب رنگی قرقیزستان ویژگی‌های مشترکی با انقلاب‌های گرجستان و اوکراین داشت ولی در بعضی جنبه‌ها برجسته‌تر می‌نمود. اول، در حالی که وسایل ارتباط جمعی غرب فوراً نامهای منحصر به فردی برای انقلاب‌های اوکراین و گرجستان القاب «نارنجی» و «رُز» در نظر گرفتند ولی برای انقلاب قرقیزستان چندین نام «رنگی» به کار می‌برند. ابتدا «لاله‌ای» بعد «زرد» و در نهایت «انقلاب لیمویی» نام نهادند. با توجه به شمار رهبران انقلاب، انقلاب قرقیزستان به طور مضاعف رنگین است. در حالی که میخائیل ساکاشویلی در گرجستان و ویکتور یوشنگو در اوکراین به عنوان تنها رهبران آن جمهوری‌ها اشتهار داشتند شمار رهبران انقلاب قرقیزستان حداقل ۴ نفر بودند: نخست وزیر پیشین (قربان بیک باقی‌اف)، وزیر خارجه پیشین (روزا اتونبایوا)، مشاور سابق امنیت ملی (فلیکس کولوو) و عضو پیشین پارلمان (آزیمبک بیک نظراف).

به رغم این واقعیت که تمام افراد رهبری انقلاب با درجاتی متفاوت با رژیم به نحوی آمیخته بودند ترسیم آنها به عنوان قهرمانان دموکراسی و حقوق بشر و نیز طرح دموکراسی و آزادی تعجب‌آور است. از نظرگاه جهانی، صحیح است گفته شود که دموکراسی قرقیزستان تحت رهبری عسگر آقایف نارسایی‌های بسیار داشت. در مقایسه با دیگر جمهوری‌های شوروی، گذر دموکراتیک در قرقیزستان در حد عادی بوده و تحکیم آن را باعث گشت.

هر کشور به واسطه موقعیت جغرافیایی - فرهنگی خود نیز ارزیابی می‌گردد. چشم‌انداز مناسبی از قرقیزستان با توجه به وضعیت جغرافیایی - فرهنگی این کشور به نظر می‌رسد. بدون شک، با وجود بعضی کاستی‌ها، قرقیزستان از جنبه‌های دموکراتیک و حقوق بشر در مقایسه با دیگر کشورهای آسیای مرکزی در بالاترین سطح قرار داشته است. به طور مثال، عسگر آقایف از تمامی دیگر رهبران آسیای مرکزی بیشتر آزادخواه بوده است؛ این امر حداقل به وضوح در اواخر

دهه ۱۹۹۰ قابل مشاهده بود.

علاوه بر این، قرقیزستان در سالهای اخیر در جهت عدم رعایت ضوابط حقوق بشر و جنبه‌های دموکراتیک گرایش داشت ولی این کاستی‌ها به درجه دیگر کشورهای آسیای مرکزی نبود. آخرین تحولات چون وجود گروه‌های اپوزیسیون، مشارکت اپوزیسیون در انتخابات و امکان برگزاری تظاهرات در خیابانها از طرف اپوزیسیون همگی نشانه‌های وجود دموکراسی در قرقیزستان بود.

سؤال اینجاست که چرا جنبش اپوزیسیون در قرقیزستان بالنسبه میانه‌رو و دموکراتیک بروز نمود و در ازبکستان یا ترکمنستان مستبد به وقوع نپیوست. جواب صحیح به این سؤال نشان می‌دهد که انقلاب رنگین در قرقیزستان به واسطه نبود فضای غیردموکراتیک نبود و به سایر زمینه‌ها مربوط می‌گشت. در واقع، رقابت‌ها بین بازیگران جهانی و توقعات ضمنی آنها از منطقه راه انقلاب را به آنها نشان می‌دهند. در اشکال دیگر، انقلاب قرقیزستان می‌بایست از جایگاه سیاسی جرج بوش و تفکر منطقه‌ای که پس از یازده سپتامبر شکل گرفت ارزیابی گردد. اندیشه منحصراً به فرد دولت بوش از آسیای مرکزی و خاورمیانه طی این دوره یافتن و حمایت از رهبران و رژیم‌های هواخواه سیاست‌های آمریکا و منش دموکراسی می‌باشد. در این راستا، طرح آمریکا جهت کنترل روسیه و چین در آسیای مرکزی، اهمیت بسیار به قرقیزستان داده که اگرچه فاقد منابع طبیعی می‌باشد ولی از موقعیت مهم ژئوپلتیک برای کنترل روسیه و چین بهره‌مند است. لذا، تجزیه و تحلیل ماهیت دموکراسی در فضای جغرافیایی - فرهنگی آسیای فرهنگی مفید می‌باشد. این موضوع در جای دیگر بررسی شده^(۱)، اما جهت توضیح دموکراسی در آسیای مرکزی کمونیست، دو جنبه متفاوت باید عنوان گردد: یکی از طرف قرقیزستان و قزاقستان ارائه می‌شود که «اقتدارگرایی شدید» نام دارد. در ازبکستان و ترکمنستان «اقتدارگرایی شدید» کنترل سیاسی، کامل و جامع است. تقریباً هیچ گروه اپوزیسیون جهت مشارکت سیاسی اجازه ندارد و رهبران سیاسی اپوزیسیون یا در تعقیب و آزار هستند و یا در تبعید به فعالیت سیاسی خود ادامه

می دهند؛ همچنین، گروه‌های اسلامی اپوزیسیون در محدودیت و تنگنا می‌باشند. اپوزیسیون در ترکمنستان و ازبکستان تقریباً محو شده است. علاوه بر این، وسایل ارتباط جمعی شدیداً تحت کنترل دولت و تخطی‌های بسیار دیگر در زمینه اصول دموکراتیک از جمله آزادی عقیده، آزادی بیان و آزادی برپایی انجمن‌ها مشاهده می‌گردد. در «اقتدارگرایی ملایم» قزاقستان و قرقیزستان، وضعیت دموکراتیک تا حدودی متعادل تر است. گروه‌های اپوزیسیون اگرچه ضعیف و غیر مؤثر، اکیداً ممنوع‌الفعالیت نمی‌باشند. این گروه‌ها اغلب به حاشیه رانده شده‌اند. آزادی بیان نسبتاً رعایت می‌گردد و وسایل ارتباط جمعی از درجه‌ای از آزادی برخوردارند. تمامی این چهار کشور آسیای مرکزی در برخی جنبه‌ها مشترکند و به اصول دموکراتیک بی‌اعتنا می‌باشند. ایده‌تمامی قدرت در دست ریاست جمهوری در تمامی چهار جمهوری مذکور حاکم است. چهار ریاست جمهور بر پارلمان‌ها احاطه دارند. مقام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در چهار جمهوری توسط کمونیست‌های سابق اشغال شده‌اند که مشتاق جدی تحول دموکراتیک در آینده نیستند.

در مقایسه با فضای جغرافیایی - فرهنگی، به‌ویژه با ترکمنستان و ازبکستان، قرقیزستان تحت رهبری آقایف موقعیتی ویژه را دارا بود و از بیشترین انعطاف در رعایت حقوق بشر و جنبه‌های دموکراتیک بین تمامی کشورهای آسیای مرکزی برخوردار بود. دولت‌ها و تصمیم‌گیران سیاسی غرب تا اواخر دهه ۱۹۹۰ نیز بر این اعتقاد بودند. در زمان ریاست جمهوری کلینتون، قرقیزستان از طرف دولت آمریکا حمایت سیاسی و اقتصادی می‌شد با این هدف که این کشور به نمونه برجسته‌ای از جمهوری دموکراتیک در منطقه مبدل گردد. قرقیزستان تحت ریاست رئیس جمهور عسگر آقایف اعتبار آزادی سیاسی و اقتصادی را کسب نموده است. در پی نگاهی به تحولات مثبت اواسط دهه ۱۹۹۰ در قرقیزستان، بعضی از صاحب‌نظران غربی این کشور را «جزیره دموکراسی» نامیده‌اند.^(۲) در حالی که استروب تالبوت معاون وزیر خارجه آمریکا عسگر آقایف رئیس جمهور قرقیزستان را «توماس جفرسون

قرقیزستان» نامیده است. (۳)

آخرین تحولات در قرقیزستان نشان می‌دهند که دولت بوش به وضوح این دیدگاه مثبت را نسبت به قرقیزستان عسگر آقایف تغییر داده است. چرا؟ موقعیت جغرافیایی - سیاسی قرقیزستان برای دولت ایالات متحده اهمیت بیشتری پیدا نموده است. قرقیزستان با ۵ میلیون نفر جمعیت، کشوری کوهستانی و در کریدور بین چین و روسیه قرار دارد. در واقع، این کشور فاقد منابع طبیعی است. موقعیت ژئوپلیتیک قرقیزستان برای منافع ایالات متحده حائز اهمیت می‌باشد. قرقیزستان همسایه چین و بسیار نزدیک به روسیه و افغانستان ارزش بسیاری برای واشنگتن دارد. روشن است که مقامات ایالات متحده رژیم آقایف را از نزدیک زیر نظر داشتند. چرا که قرقیزستان از سیاستهای منطقه‌ای و اهداف عمومی دولت بوش پس از واقعه یازده سپتامبر قویاً حمایت نکرده بود. لازم به یادآوری است در حالی که ازبکستان به لحاظ لجستیک و سیاسی آمریکا را در جنگ علیه افغانستان حمایت نمود قرقیزستان به تقاضاهای واشنگتن پاسخ ضمنی داد. برای مثال، قرقیزستان مایل نبود که آمریکا از پایگاه‌هایش در قرقیزستان استفاده نماید. این واقعیت که قرقیزستان تحت اقتدار آقایف یک عضو فعال سازمان همکاری شانگهای بوده است می‌بایست مورد ملاحظه دولت بوش به عنوان تغییر دیدگاه آقایف به سوی واشنگتن قرار گرفته باشد.

سازمان همکاری شانگهای سازمانی است که درست قبل از یازده سپتامبر در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۱ از طرف رهبران قرقیزستان، قزاقستان، روسیه، جمهوری خلق چین، تاجیکستان و ازبکستان بنیاد یافت. بجز ازبکستان و پس از خروج این کشور، دیگر کشورها اعضای «سازمان شانگهای پنج» نام گرفتند. اهداف رسمی این سازمان اغلب مباحث امنیتی چون بحرانهای مرزی، پرهیز از منازعات نظامی، مقابله ضد تروریستی و مقابله با اسلام‌گرایی افراطی بودند. اغلب ناظران معتقدند که یکی از اهداف اصلی سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک متوازن‌کننده در مقابل آمریکا ابزاری جهت پرهیز از بحرانهایی است که اجازه می‌دهند ایالات

متحده در مناطق نزدیک روسیه و چین دخالت می‌نماید. بسیاری از ناظران نیز عقیده دارند که این سازمان به عنوان پاسخی مستقیم جهت تهدید سیستم‌های دفاع موشکی ایالات متحده شکل گرفته پس از آنکه آمریکا ارتقای سیاست دفاع موشکی را آغاز کرد.

با توجه به تمامی این تحولات، تعجب‌آور نیست که ازبکستان، به عنوان نتیجه حمایتش از آمریکا شریک جدید واشنگتن شده بود، علی‌رغم اینکه ازبکستان اقتدارگراترین کشور آسیای مرکزی محسوب می‌گردد. باید به خاطر سپرد که ازبکستان از سازمان همکاری شانگهای خارج شد و مقدار معتنا بهی از کمک لجستیک برای آمریکا جهت جنگ با عراق را فراهم نمود. همچنین، نباید تعجب نمود که آنچه در قرقیزستان تحت رهبری آقایف اتفاق افتاد در شرایطی بود که وی در عقایدش نسبت به اهداف واشنگتن صادق نبود. عکس‌العمل احتیاط‌آمیز روسیه و عکس‌العمل حمایت‌آمیز فوری آمریکا پس از انقلاب قرقیزستان ممکن است به عنوان نشانه برجسته‌ای در دیدگاه رژیم آقایف محسوب گردد و نیز مداخله آمریکا در انقلاب قرقیزستان را گواهی نماید.

در واقع، نشانه‌های بیشتری در انقلاب قرقیزستان حاکی از حمایت مالی و سیاسی آمریکا از این حرکت قابل مشاهده می‌باشد. سخنرانی بوش در آغاز دومین دوره ریاست جمهوری مبنی بر اینکه وقتی مردم تحقیر شده برای احقاق حقوق خود برمی‌خیزند ایالات متحده می‌بایست از آنها حمایت و راهنمایی‌های ابتکاری بنماید این امر را تأیید می‌نماید. دیدگاه وال استریت ژورنال در مورد تحول قرقیزستان به لحاظ نزدیکی این روزنامه به محافل دولتی آمریکا نقش آمریکا در انقلاب قرقیزستان را چنین ترسیم می‌نماید: قرقیزستان جایگاه خود را در نمایش دموکراسی و آزادی تحت رهبری بوش بدست آورده است.^(۴)

دیگر نشانه حاکی از دخالت واشنگتن در امور قرقیزستان مربوط به مقاله ۲۴ فوریه در وال استریت ژورنال می‌باشد. بر طبق گزارش مذکور، حمایت واشنگتن از اپوزیسیون قرقیزستان وسیعاً از طریق سازمانهای غیردولتی طرفدار غرب کانالیزه شد. یکی از این سازمانهای

غیردولتی که با اپوزیسیون قرقیزستان همکاری می‌کند «ائتلاف برای دموکراسی و جامعه مدنی» می‌باشند. هزینه فعالیت «ائتلاف برای دموکراسی و جامعه مدنی» از طریق «مؤسسه ملی دموکراتیک» در واشنگتن تأمین می‌گردد که از طرف دولت آمریکا مورد پشتیبانی مالی قرار می‌گیرد.^(۵) عادل بایسالف^۱ مسئول «ائتلاف برای دموکراسی و جامعه مدنی» در گفتگو با وال استریت ژورنال به عنوان ناظر انتخابات مربوط به منازعه انتخاباتی ریاست جمهوری اوکراین، درست قبل از بازگشت به قرقیزستان، حاصل اقامت خود را در اوکراین «تجربه بسیار تشریفاتی و مشاهده نتایج فعالیت خود» توصیف می‌نماید.^(۶)

سازمان غیردولتی دیگر فعال در انقلاب قرقیزستان «انجمن اجتماعی مبارزه با فساد» می‌باشد. «انجمن اجتماعی مبارزه با فساد» ظاهراً از «بنیاد ملی دموکراسی» که یک سازمان دولتی آمریکایی با پیوندهای گسترده با اتحادیه تجاری AFL - CIO (مشهور به عامل سرنگون‌کننده حکومت‌های مخالف واشنگتن) می‌باشد.^(۷) درست قبل از انقلاب قرقیزستان، تولکان اسماعیلیف رئیس «انجمن اجتماعی مبارزه با فساد» رساله‌ای راجع به روش‌های انقلاب که جهت سرنگونی دولت‌های اوکراین، گرجستان و صربستان به کار گرفته شده به زبان قرقیزی ترجمه کرد. این رساله در قرقیزستان از طرف سازمان دموکراسی، کار و حقوق بشر وابسته به وزارت خارجه آمریکا چاپ شد.^(۸)

همان چاپخانه چندین مطلب دیگر علیه آقای چاپ کردند. این شامل روزنامه اصلی اپوزیسیون، روزنامه MSN نیز می‌باشد. گزارش شده که مسئولان قرقیز برق مربوط به چاپخانه مذکور را درست قبل از اولین دوره انتخابات پارلمانی در ۲۷ فوریه قطع کردند سفارت آمریکا در بیشکک دو ژنراتور جهت تأمین برق تحویل داد.^(۹) این تسهیلات بطور مستقیم توسط یک آمریکایی به نام مایک استون و امور چاپ از طرف منابع مالی «مؤسسه اجتماعی جرج سورس» انجام شد.^(۱۰) «مؤسسه اجتماعی جرج سورس» به واسطه نقش خود در تأمین مالی فعالیت‌های

1. Edil Baisalov

اپوزیسیون در انقلاب‌های رنگی شهرت دارد.

مهم نیست که رهبران ائتلاف ضدآقایف اغلب طرفدار غرب می‌باشند. یکی از این رهبران «روزا اوتانبایوا» یعنی کسی که پیوندهای شخصی و سیاسی با غرب به‌طور کلی و با آمریکا بطور ویژه دارد. «اوتانبایوا» قبلاً به عنوان سفیر در آمریکا و کانادا (۴-۱۹۹۱) خدمت کرده است و این خانم در سال ۱۹۹۷ سفیر قرقیزستان در بریتانیا بود. او دستیار ویژه دبیرکل سازمان ملل در مورد بحران مرزی آبخازای گرجستان در فاصله ۴-۲۰۰۲ بوده است. طی مأموریت وی در تفلیس او شاهد «انقلاب رز» در گرجستان بود. به طوری که «آندریا پترز» ذکر می‌نماید خانم «روزا» با قاطعیت حوادث آن کشور را با عنوان الگویی جهت تغییر در قرقیزستان برمی‌شمارد.^(۱۱) رویکرد مثبت خوشبینانه‌ای است اگر تصور شود که آمریکا صادقانه و مخلصانه به حرکات لیبرال - دموکراتیک کشورهای شوروی سابق مساعدت می‌نماید. اولاً، پس از حوادث یازده سپتامبر، ایالات متحده دوران گیجی و آشفتگی را در ارتباط با دموکراسی در آمریکا سپری می‌نماید. رفتارها و سیاست‌های مشخص دولت بوش به سوءظن و بدگمانی در مورد علاقه آمریکا به تعمیم دموکراسی در دیگر نقاط جهان منجر شده است.

این امر سیاست‌های دولت آمریکا در مورد امنیت ملی و تخطی در حوزه حقوق بشر و دموکراسی، به ویژه اقدامات ضد دموکراتیک که در قبال اقلیت‌های مسلمان و عرب در آمریکا را در بر می‌گیرد. در حالیکه آمریکا با این مشکلات در کنار مواجهه با اصول دموکراتیک مواجه است موضوع اینکه آیا کوشش‌های آمریکا برای بسط دموکراسی در دیگر نقاط جهان و به ویژه آسیای مرکزی اهمیت می‌یابد. اگر نه، ما باید طرح مسئله «آزادی و دموکراسی» از طرف آمریکا را صرفاً لفاظی تلقی کنیم.

تحولات پس از یازده سپتامبر نشان دادند چگونه دولت آمریکا مایل به تقویت دموکراسی و حقوق بشر در جمهوری‌های آسیای مرکزی پس از شوروی است. آمریکا (در دوران پس از یازده سپتامبر) سیاست‌های بی‌سابقه که ادعا می‌شود در راستای تأمین منافع ملی این

کشور است را اختیار نمود. آمریکا برای وحدت و ائتلاف نزدیک با رژیم‌های آسیای مرکزی به ویژه ازبکستان تردید ننمود. «لورن کرانر» دستیار وزیر خارجه آمریکا این امر را تأیید نموده ادعا می‌نماید که «مبارزه جهانی علیه تروریسم» دولت آمریکا را در جهت «همکاری نزدیک باشماری از دولتهایی که حتی حقوق بشر را بطور کامل رعایت نمی‌کنند و روابط نزدیک با آنها نداریم» سوق می‌دهد.^(۱۲) به وضوح این دسته از کشورها رژیم‌های آسیای مرکزی را نیز دربر می‌گیرد. همکاری نزدیک از طرف دولت آمریکا با رژیم‌های کنونی آسیای مرکزی به مشروعیت و تحکیم حاکمیت این جمهوری‌ها به موازات مشروعیت و تحکیم دموکراسی و حقوق بشر مساعدت می‌نماید.

منابع

- Bingol, Yilmaz, "Turkey's Policy toward Post-Soviet Central Asia: Opportunities and Challenges", *Research Institute for International and European Studies (RIIES)*, Research Paper, No.47, May 1998.
- Bingol, Yilmaz, "Nationalism and Democracy in Post - Communist Central Asia", *Asian Ethnicity*, Vol.5, No.1, February 2004, ss.43-60.
- Enginsoy, Umit, "Kirgizistan Dersleri", *NTV Haber*, 28 Mart 2005, ayrica adresinden ulasilabilir.
- Peters, Andrea, "US Money and Personnel Behind kyrgyzstan's "Tulip Rvolution" *World Socialist Web Site*, March 28, 2005. www.wsws.org adresinden ulasilabilir.
- Peterson, Scott, "Oasis of Democracy Shrinks", *Christian Science Monitor*, vol.92, No.246 (November 13, 2000), ss.7-10.
- Talbott, Strobe, "Promoting Democracy and Prosperity in Central Asia", *US Department of State Dispatch*, Vol.5, No.19 (May 9, 1994), ss.280-2.

یادداشت‌ها

1. For a Detailed Analysis of Democracy in Central Asia, See Yilmaz Bingol, "Nationalism and Democracy in Post - Communist Central Asia", *Asian Ethnicity*, Vol.5, No.1, February 2004, pp.43-60.
2. See, for Example, John Anderson, "Island of Democracy? The Politics of Independence", in John Anderson (ed.), *Kyrgyzstan: Central Asia's Island of Democracy?* (Harwood Academic Publishers, Amsterdam, 1999), pp.23-63.
3. Strobe Talbott, "Promoting Democracy and Prosperity in Central Asia", *US Department of State Dispatch*, vol.5, No.19 (9 May 1997), pp.280-2.
4. Qouted from, Umit Enginsoy, "Kirgizistan Dersleri", *NTV Haber*, 28 March 2005,
5. See, for Example, Andrea Peters, "US Money and Personnel Behind Kyrgyzstan's "Tulip Revolution", *World Socialist Web Site*, 28 March 2005. www.wsws.org
6. Peters, *Ibid.*
7. Peters, *Ibid.*
8. Peters, *Ibid.*
9. Peters, *Ibid.*
10. Peters, *Ibid.*
11. Peters, *Ibid.*
12. "U.S Continues to Promote Human Rights, Democracy in Central Asia, June 27, 2002", State Department's Lorne Craner at June 27 Senate Hearing, 27 June 2002. http://www.usembassy.it/file2002_06/alia/a2062702.htm